



درک ما از خشونت

خشونت می‌تواند در اشکال متفاوتی بروز کند و با آسیب فیزیکی آغاز نمی‌شود. از انواع خشونت‌ها می‌توان، خشونت جسمی، روحی، جنسی و خشونت در زبان را نام برد. تبعیض قایل شدن و کم ارزش شمردن شیوه‌ی زندگی دیگران، اذیت یا آزار و پرخاشگری نیز از دیگر انواع اعمال خشونت هستند که صدمه می‌زنند، ایجاد محدودیت و ناامنی می‌کنند، آسیب‌های روانی بر جای می‌گذارند و پیامدهای مالی و جانی دارند.

کسانی که برای مشاوره به ما مراجعه می‌کنند، معمولاً به علت تجربیاتی‌ست که در زمینه‌ی هم‌جنس‌گراستیزی، ترانس‌ستیزی و نژادپرستی دارند. آنها ممکن است تبعیض/خشونت را به سبب تعلقات فرهنگی و گروهی (مهاجرت و یا رنگ پوست)، شرایط سنی، نقص عضو، وضعیت مالی (فقر و بی‌پولی) تجربه کرده باشند. اغلب در اعمال خشونت و تبعیض ترکیبی از تبعیض‌های چندگانه‌ی مرتبط به هم نقش بازی می‌کند.

خشونت می‌تواند توسط افراد یا نهادهای دولتی و دیگر نهادها مانند مدارس، بیمارستان‌ها اعمال شود. خشونت می‌تواند خود را در عرصه‌ی ساختاری هم نشان دهد، در عدم دسترسی به منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. نبود امکانات کافی برای معلولین. حقوق محدود برای سرپرستی کودکان توسط زوج‌های هم‌جنس‌گرا.

خشونت می‌تواند در خیابان، محل کار یا خانواده اعمال شود. خشونت می‌تواند در رابطه میان دو زن و حتی در درون نهادهای مخصوص برای هم‌جنس‌گرایان، دو جنس‌گرایان و ترانس‌ها تجربه شود.

وقتی خشونت از طریق افراد دولتی و قوانین اعمال شود از **خشونت دولتی و خشونت ساختاری** سخن می‌گوییم. به این صورت که به طور مثال پلیس اشخاصی با رنگ پوست دیگر و یا انسان‌های ترانس را بدون دلیل کنترل کرده و با آنها بر اساس پیش‌داوری تبعیض‌گرایانه به عنوان مجرمین برخورد می‌کند.

زمانی از تبعیض ساختاری صحبت می‌کنیم که افراد یا گروهی از انسان‌های یک جامعه با تکیه بر قوانین و یا معیارهای به ظاهر بی‌طرف محدود می‌شوند. یک نمونه از اعمال این تبعیض

را می‌توان در سریال‌های تلویزیونی دید. در این سریال‌ها فقط شیوه‌ی زندگی دگرجنس‌گرایان به نمایش گذاشته می‌شود و در مورد فرم‌های مختلف رابطه و زندگی هم‌جنس‌گرایان و دوجنس‌گرایان و انسان‌های ترانس سکوت می‌شود. در چنین مواردی تبعیض ساختاری صورت می‌گیرد.

نمونه‌ی دیگری از خشونت، قوانینی‌ست که در مورد انسان‌هایی با هویت ترانس اعمال می‌شود که برای استفاده از امکانات پزشکی و حقوقی برای تطبیق جنسیت‌شان (تعویض جنسیت)، نیاز به گواهی روان‌پزشک و روان‌شناس دارند.

ما همه‌ی اشکال نژادپرستی، تبعیض جنسی، تبعیض چندگانه به دلیل معلولیت، شرایط سنی، فرهنگی، طبقاتی (تبعیض به خاطر موقعیت اجتماعی) و هم‌جنس‌گرا ستیزی و ترانس‌ستیزی را خشونت ارزیابی می‌کنیم.

چه باید کرد ؟

ما معتقدیم که به تمامی اشکال خشونت باید هم‌زمان توجه کرد. سؤال ما این است، آیا لازم است که برای مقابله با خشونت و تبعیض خواهان قوانین سخت‌تر و مجازات برای اعمال‌کننده‌گان خشونت علیه هم‌جنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و انسان‌های ترانس باشیم؟ ما باور نداریم که چنین قوانینی منجر به کاهش خشونت شود و یا انسان‌هایی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند بتوانند از این قوانین برای پرداختن به تجربیات تلخ‌شان مدد بگیرند. نگرانی ما از این است که با اعمال چنین قوانینی فرم‌های خشونت دولتی، برای مثال نژادپرستی، دست‌نخورده بماند. بر این باوریم: افرادی که خشونت را تجربه کرده‌اند، در نهایت بهتر می‌دانند که چه خواسته‌هایی دارند. آنها باید خود، راه‌های مناسب بر خورد با آن را انتخاب کنند. برای ما مهم است این افراد را در توانمند شدن برای رسیدن به خواسته‌های‌شان و در پروسه‌ی تصمیم‌گیری‌شان همراهی کنیم. ما این همراهی را کاری مشترک با این افراد برای پیدا کردن راه‌شان می‌دانیم.

ما هر گونه اعمال زور را محکوم می‌کنیم و لازم می‌دانیم تاکید کنیم که اغلب خشونت از طرف افراد نزدیک و یا ناظر تحمل می‌شود. امیدواریم که هیچ‌کس خشونت را نادیده نگیرد و دوستان و نزدیکان بصورت فردی و جمعی بطور فعال بر علیه خشونت عمل کنند. هم‌چنین می‌توان به انسان‌هایی که رفتار خشونت‌آمیز دارند کمک کرد تا در رفتار خود تجدید نظر کنند. تمرکز نباید بر مجازات باشد؛ هدف، بهبود وضعیت افرادی‌ست که مورد خشونت واقع شده‌اند. و عاملین خشونت

عمل خود را تکرار نکنند. ما بر آنیم که توجه باید بر انسان مورد خشونت متمرکز شود. در عین حال ساختارهای جمعی و شرایط اجتماعی نیز که در تداوم خشونت نقش داشته و حمایت می‌کنند، به طور بنیادی تغییر کنند.

Die Übersetzung des Textes wurde durch
die Antidiskriminierungsstelle des Bundes
gefördert



Antidiskriminierungsstelle
des Bundes